

کارگر کمونیست

درباره مسائل جنبش کارگری

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: فاتح بهرامی
fateh.bahrami@gmail.com

۵۸۰

۱۹ تیر ۱۳۹۸
۱۰ ژوئیه ۲۰۱۹



چهارشنبه‌ها منتشر میشود

زندادان نمیتواند
صدای اعتراض جامعه
را خاموش کند!

ناصر اصغری
صفحه ۵

مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی
کارزاری مهم در مبارزه
علیه جمهوری اسلامی

یاشار سهندی
صفحه ۶



وسیعاً به حکم
وحشیانه شلاق برای
حمید رحمتی
اعتراض کنیم

صفحه ۸



در حمایت از کمپین
"آزادی بازداشتی‌های هفت تپه"

اسماعیل بخشی‌ها و سپیده قلیان‌ها،
در قلب همه مردم اند
صفحه ۷

اتهامات اعلام شده
علیه دستگیر شدگان هفت تپه
و کارزار برای آزادی آنها

صفحه ۱۱

شهریه ندهید! آموزش رایگان حق همه کودکان است!

صفحه ۲

مقدمه به مقاله
کارل مارکس

درباره
کار موند
و
غیر موند

منصور حکمت

صفحه ۳

* تحصن سپیده قلیان در اعتراض
به وضع زندان قرچک

صفحه ۱۰

* اعتراض معلمان، تحصن سپیده قلیان،
اعتراضات دستفروشان در تبریز و چند خبر دیگر

* کارزار آزادی دستگیر شدگان اول مه،
علنی شدن محاکمات، و اعتراضات بازنشستگان

صفحه ۱۲

* تجمع بازنشستگان

صفحه ۹

در مقابل صندوق بازنشستگی

* چند خبر از اعتراضات کارگری

صفحه ۷

* تجمع ۶۰۰ کارگر آذربایجان و

چند اعتراض کارگری دیگر

صفحه ۲

* طومار و نامه سرگشاده معلمان به رئیسی صفحه ۱۲

اهدای اعضای بدن محکومین به اعدام

یک اقدام جنایتکارانه جمهوری اسلامی است!

صفحه ۹

اتهامات انتسابی اسماعیل بخشی

۴-نشر اکاذیب به قصد تشویش علیه اذهان عمومی
۵-اخلال در نظم عمومی از طریق حضور در تجمع‌های
غیرقانونی

۶-نشر اکاذیب در فضای مجازی و تشویش اذهان عمومی

بنا به گزارش فرزانه زیلابی وکیل کارگران هفت تپه، اتهامات
انتسابی اسماعیل بخشی عبارتند از:

۱-اجتماع و تباہی به قصد اقدام علیه امنیت ملی
۲-اقدام علیه امنیت ملی از طریق تبلیغ علیه نظام
۳-توهین به مقام رهبری

آزادی، برابری، حکومت کارگری!



MAHMO

کارگر کمونیست

هیئت تحریریه :

ناصر اصغری

nasser_asgary@yahoo.com

محمد رضا پویا

Mohammadreza.pooya@gmail.com

شهرلا دانشفر

shahla_daneshfar@yahoo.com

بهمن ذاکر نژاد

bahmanzaker@gmail.com

داوود رفاهی

dawood.refaahi@gmail.com

یاشار سهندی

y_sahandi@yahoo.com

محمد شکوهی

moshokohi@yahoo.de

حسن صالحی

hasan.salehi2000@gmail.com

نسان نودینیان

nandiniannasroola@yahoo.de

مسئولیت مطالب با نویسندگان آنهاست.

درج مقالات در کارگر کمونیست

لزوماً به معنی تأیید مضمون آنها

از جانب نشریه نیست.

شهریه ندهید! آموزش رایگان حق همه کودکان است!

اعتصابات معلمان و موضوع کشمکش میان خانواده ها با مدارس بوده است. مفتخوران حاکم به این خواست بحق مردم تن نداده اند اما میتوانیم عملاً آنرا به حکومت تحمیل کنیم. فراخوان معلمان به خانواده ها را به یک کارزار وسیع و جنبش وسیع و توده ای در سراسر کشور تبدیل کنیم: نه به آموزش و پرورش پولی، نه به شهریه و هر نوع اخاذی. دست در دست معلمان این خواست را همه جا در هر شهر و محله ای دامن بزنیم، با خانواده های دیگر تماس بگیریم، جلو مدارس تجمع کنیم، طومار جمع کنیم، مدیرانی که با مردم همکاری نمیکنند را افشا کنیم و نگذاریم بخاطر شهریه فرزندانمان از تحصیل باز بمانند. نهادهای مدافع حقوق کودک میتوانند نقش مهمی در این زمینه ایفا کنند.

اما نه فقط تحصیل رایگان، درمان رایگان نیز حق همه مردم است و اینرا نیز باید به دزدان و میلیاردهای حاکم تحمیل کنیم. از پرداخت قبض آب و برق و گاز و از پرداخت بلیط برای مترو و اتوبوس های شهری نیز خودداری کنیم. اینها گوشه ای از خواست های دهها میلیون نفر از مردم است و میتوانیم عملاً دست به کار شویم و این خواست ها را به اجرا درآوریم.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۴ تیرماه ۱۳۹۸، ۵ ژوئیه ۲۰۱۹

معلمین عدالتخواه در فراخوانی به خانواده ها آنها را فراخوان داده اند که از پرداخت شهریه خودداری کنند و یک ریال هم به مدارس پرداخت نمایند. در بیانیه معلمان آمده است: "در این مقطع که موقع ثبت نام کودکان در مدارس است از والدین شریف و دانش آموزان گرامی درخواست می کنیم با فعالان و تشکلهای صنفی و معلمان عدالتخواه همراه شده و در راستای مبارزه با پولی سازی آموزش یک ریال هم به مدارس پرداخت ننمایند. نه به پولی سازی آموزش یک مطالبه و خواسته عمومی و اینک وقت آن فرا رسیده که متحد و یک صدا به آموزش و پرورش پولی و ایدئولوژیک نه بگوییم. تأمین حق تحصیل رایگان برای تمام کودکان وظیفه بدیهی دولت و حاکمیت است."

معلمان در بیانیه شان نوشته اند: "در حالی که پولی سازی آموزش به اشکال مختلف سیاست اصلی حاکمیت است پیش بینی می شود در سایه تورم افسارگسیخته و فقدان توان پرداخت شهریه مدارس، کودکان بیشتری از چرخه آموزش طرد شوند. ما به عنوان جمعی از معلمان عدالتخواه ایران از تمام والدین بخصوص از فرهنگیان و زنان و مردان طبقه کارگر می خواهیم از پرداخت هر نوع وجه نقد به عنوان کمک یا شهریه ثبت نام امتناع نمایند."

تحصیل رایگان در همه سطوح حق بی چون و چرای مردم و وظیفه بدیهی حکومت است. این یک خواست مهم تجمعات و

تجمع ۶۰۰ کارگر آذربای اراک و چند اعتراض کارگری دیگر

- روز ۱۵ تیرماه حدود ۶۰۰ کارگر واحد تولیدی، صنعتی آذربای اراک در اعتراض به معوقات مزدی خود، مقابل استانداری اراک، دست به تجمع زدند. اعتراض این کارگران به نبود امنیت شغلی و عدم پرداخت دو ماه حقوقشان است. طبق وعده های مدیریت بنا بود تا این روز دستمزد کارگران پرداخت شود، اما بدلیل اینکه این وعده عملی نشد کارگران مقابل استانداری اراک جمع شدند. در واکنش به این حرکت اعتراضی محمدتقی آبایی (مدیرکل اداره کار استان مرکزی از جلسه ای با فرماندار و سه نفر از مدیران استانداری خیر میدهد. در این جلسه مقرر شده است که تا پایان هفته حقوق اردیبهشت ماه کارگران پرداخت شود. کارگران به این وعده ها باور ندارند و خواستار پرداخت تمام طلبهایشان هستند. به گفته وی در شرکت الومینیوم سازی اراک نیز دستمزدها با یک ماه تأخیر پرداخت شده میشود. محمدتقی آبایی که خود در زمره حقوق بگیران نجومی است در برابر اعتراض کارگران میگوید: ما یک ماه را معوق حساب نمی کنیم. همه کمک

خواهیم کرد تا شرکت بتواند پروژه های بیشتر و بهتر بگیرد." او در خصوص وضعیت فعلی کارگران هپکو نیز از معوقات مزدی کارگران و از اینکه در تلاش هستند تا وضعیت هپکو نیز بهبود یابد سخن میگوید. این خبرها از فضای پر از اعتراض مراکز کارگری در شهر اراک حکایت دارد. اراک یکی از کانونهای داغ اعتراضات کارگری است. کارگران هپکو و آذرب با مبارزات تاکنونی خود نقش مهمی در فعال شدن فضای سیاسی شهر اراک داشته اند. حضور خانواده ها در اعتراضات کارگران در این کارخانجات به یک سنت تبدیل شده است.

- کارگران ابنیه فنی راه آهن زاگرس که در روزهای ۱۱، ۱۲ و ۱۵ تیر ماه در اعتراض به تعویق پرداخت سه ماه دستمزد خود در مقابل ایستگاه اندیشک دست به اعتراض صنفی زده بودند، روز پانزدهم تیر ماه با وعده پیمانکار مبنی بر پرداخت طلبهایشان موقتاً سر کار خود بازگشتند. از قرار معلوم مسئولان شرکت پیمانکار وعده پرداخت بخشی از مطالبات کارگران را داده اند.

در رابطه با همین موضوع در این روز کارگران شرکت تروراس لرستان و آذربایجان نیز در اعتصاب بودند. بنا بر خبرها زیر فشار اعتراض کارگران راه آهن ناحیه آذر بایجان شرکت پیمانکاری «گسترش آهن راه» حقوق اردیبهشت ماه کارگران را پرداخت کرده است. کارگران به تعویق پرداخت دستمزدها اعتراض دارند و خواستار پرداخت همه

طلبهایشان هستند.

- ندا ناجی، عاطفه رنگریز، مرضیه امیری و آیشا اسداللهی، ۴ تن از بازداشت شدگان روز جهانی کارگر هستند که همچنان در بازداشت بسر میبرند. مادر ندا ناجی طی کلبی تصویری از وضعیت فرزندش و علیه اتهامات امنیتی سخن میگوید. او با اعتراض به سردواندن خانواده های بازداشت شدگان توسط مقامات قضایی میخواهد صدایش همه جا رسانه ای شود. روز شنبه ۱۵ تیر جمال عاملی، همسر ندا ناجی در اینستا گرام خود از ضرب و شتم ندا توسط افرادی از زندانیان جرایم عادی و پرسنل زندان و انتقال وی به بهداری خبر داد. به گفته وی بعد از این ضرب و شتم ندا ناجی برای چند ساعت به تارینی دچار شده است. جان ندا ناجی و عاطفه رنگریز در زندان قرچک در خطر است. ندا ناجی در تاریخ ۲۵ خرداد از بند ۲۰۹ اوین به زندان قرچک ورامین منتقل شده بود. هم اکنون کارزاری گسترده برای آزادی بازداشت شدگان اول مه و تمامی زندانیان سیاسی جاریست. بازداشت شدگان روز جهانی کارگر، دستگیر شدگان نیشکر هفت تپه و تمامی زندانیان سیاسی باید بدون قید و شرط آزاد شوند.

پیش بسوی اعتصابات سراسری

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۶ تیر ۹۸، ۷ ژوئیه ۲۰۱۹



مقدمه به مقاله کارل مارکس درباره کار مود و غیر مود

منصور حکمت

تمایز کار مود و غیر مود یکی از مؤلفه‌های مهم در نقد مارکس بر نظام سرمایه‌داری و بر اقتصاد سیاسی است. فرمولبندی دقیق مارکس از این مقولات نه فقط به وی امکان می‌دهد تا منشأ ثروت و سود طبقه بورژوا "راز قدرت موده سرمایه" را برملا نماید، بلکه همچنین تفاوت و رابطه متقابل اقشار مختلف سرمایه، اعم از سرمایه‌های صنعتی (تولیدی)، تجاری و ربانی، را بدرستی تحلیل کند. مارکس در عین حال با تشریح کار مود و غیر مود ابزار تئوریک کارآمدی در تحلیل تقسیم‌بندی‌های درونی پرولتاریا و شکال متنوع مواجهه اقتصادی و سیاسی سرمایه با بخشهای مختلف طبقه کارگر به دست می‌دهد. تئوری مارکسیستی کار مود و غیر مود اهمیت و صحت خود را بویژه در دو دهه اخیر در جریان بحران عمیق جوامع سرمایه‌داری پیشرفته به ثبوت رسانیده است.

کار مود چیست و یا به عبارت دیگر چه

کاری مود است؟ فیزیوکراتها، یعنی نخستین پایه‌گذاران اقتصاد سیاسی مدرن به این سؤال از زاویه "طبیعی" و "فیزیکی" پاسخ میدادند. برای آنها تنها کار کشاورزی کار مود محسوب میشد. در این تعبیر منشأ سود و ثروت جامعه بورژوایی در طبیعت جستجو میشد. این طبیعت است که ثروت و مازاد محصول می‌آفریند و لذا کار مود کاری است که با طبیعت فعل و انفعال میکند. اضافه محصول حاصل طبیعت است نه کار و لذا جامعه علی‌العموم (و دولت و سیاستهای اقتصادی دولتی) باید در خدمت بالا بردن بازده کار و افزایش محصول در کشاورزی قرار بگیرد. از مصرف غیر مود محصولات باید اجتناب شود و منابع اقتصادی به بهبود کیفیت تولید کشاورزی اختصاص داده شود. فیزیوکراتها به این اعتبار مبع قناعت و استتکاف از مصرف، یعنی مبلغ ارزشها و اخلاقیات جامعه بورژوایی در مراحل اولیه شکل‌گیری آن بودند. فیزیوکراتها متفکرین اقتصادی دوران شکل‌گیری و عروج سرمایه بودند. اندیشه اینان از یک سو رنگی از ارزشها و تلقیات فئودالی داشت و از سوی دیگر معضلات عملی بورژوازی را در اوان پیدایش و رشدش بیان میکرد، یعنی موقعیتی که سرمایه هنوز به تولید بزرگ صنعتی پای نگذاشته بود و سودآوری سرمایه در وهله اول در گرو بهبود شرایط فنی تولید محصولات سنتی و مرتبط با کشاورزی بود. از لحاظ تئوریک، روشن است که کار مود برای فیزیوکراتها نوع معینی از کار کنکرت بود. تولید محصول معین (ارزش مصرف معین) و لذا انجام نوع معینی از کار در مرکز این تعبیر از کار مود قرار میگرفت.

آدام اسمیت (Adam Smith) نخستین اقتصاددان سرشناسی است که به مسأله کار مود نه از زاویه "طبیعت"، بلکه از دریچه "تولید سرمایه‌داری" نگریست و لذا تبیین "طبیعی" و "فیزیکی" از کار مود را به دور انداخت و شاخص "کمی" و "ارزشی" برای کار مود یافت. مودیت کار برای اسمیت در این نیست که این یا آن ارزش مصرف معین را تولید میکند، بلکه در این است که برای سرمایه ارزش تولید میکند. اسمیت کار مود را کاری تعریف کرد که با سرمایه مبادله میشود و کار غیر مود را کاری که نه با سرمایه، بلکه با پول (درآمد) مبادله میگردد. تعریف آدام اسمیت از کار غیر مود صحیح بود، اما تعبیر او از کار مود ناکافی بود. به این اعتبار هر کاری که با سرمایه مبادله شود

مود ارزش محسوب میگردد. و لذا در حالی که علی‌الظاهر بحث بر سر قدرت موده کار است، این سرمایه است که منشأ و منبع هر قدرت موده قلمداد میگردد. اسمیت میان سرمایه‌ای که در پروسه عملی تولید به کار می‌افتد با سرمایه تجاری از این لحاظ، یعنی از لحاظ تولید ارزش، تفاوتی قائل نمیشود. به این اعتبار تئوری اسمیت بیانگر نگرش سرمایه‌دار منفرد است که نفس "سودآوری" سرمایه، ولو سرمایه تجاری، را با "قدرت موده سرمایه" یکی میگیرد. بدین ترتیب، در تعبیر اسمیت منشأ واقعی سود و ثروت بورژوازی پنهان میشود و در عوض اقشار "مصرف کننده" و "غیر مود"، نظیر زمینداران، رباخواران و غیره، از موضع سرمایه به نقد کشیده میشوند. آدام اسمیت تئورسین دوران ظهور سرمایه بزرگ صنعتی است، هنگامی که سرمایه بر سر منابع و محصولات با اقشار و طبقات دیگر رقابت دارد. انتقاد اسمیت به این اقشار و طبقات "غیر مود"، در واقع حرکتی در تقدیس سرمایه بطور کلی، و سرمایه صنعتی بطور اخص است.

ریکارو تعریف اسمیت از کار مود و غیر مود را عیناً میپذیرد. اما توجه خود را به مقدار و نرخ ارزش اضافه و رابطه سرمایه با کارگران معطوف میکند. این معضل واقعی سرمایه صنعتی در مراحل پیشرفته‌تر است. مشکل "مصرف نامود" اقشار و طبقات "ماقبل سرمایه‌داری"، جای خود را به مشکل بالا بردن مقدار ارزش اضافه ("درآمد خالص") و عرضه و تقاضا برای کار میدهد. ریکارو مشکلات انباشت سرمایه را اینجا جستجو میکند. اگر جمعیت مود از بارآوری بالایی برخوردار باشد، آنگاه تأمین اقشار غیر مود دشواری جدی‌ای به بار نمی‌آورد. برای ریکارو معضل اصلی سرمایه "بازده نزولی" جمعیت مود است.

نظر مارکس در دو نکته اساسی با نظرات اسمیت و ریکارو درباره کار مود و منشأ ارزش اضافه اختلاف دارد. اولاً، مارکس برخلاف اسمیت هر کاری را که با سرمایه مبادله شود مود نمیداند. مارکس دو نوع مبادله متمایز میان کار و سرمایه را تشخیص میدهد. اول مبادله صورتی کار و سرمایه، یعنی فروش نیروی کار که کار را تحت تابعیت صورتی (Formal Subsumption) سرمایه قرار میدهد. اما نفس این مبادله تولید ارزش اضافه نمیکند. "مبادله" دوم میان کار و سرمایه در طی پروسه کار صورت میگیرد. در این پروسه

است که کار تحت تابعیت واقعی (Real Subsumption) سرمایه درمی‌آید و توسط سرمایه مصرف میشود. اینجاست که قدرت موده کار، خود را آشکار میکند. ثلثاً مارکس میان کار و نیروی کار تمایز قائل میشود. آنچه سرمایه‌دار می‌خرد حق استفاده از نیروی کار کارگر برای مدت معینی است. اما مقدار کاری که کارگر در این مدت معین انجام میدهد بیش از مقدار کاری است که صرف تولید و بازتولید خود نیروی کار گشته است. به این ترتیب سرمایه مقدار معینی از کار اضافه را بطور بلاعوض در طول پروسه کار به تصاحب در می‌آورد و با فروش محصولات، آن را متحقق میکند. به این ترتیب مارکس بر اهمیت پروسه کار انگشت می‌گذارد. زیرا در طی این پروسه است که اولاً نیروی کار قدرت موده خود را، بر مبنای تفاوت میان مقدار کاری که انجام میشود با مقدار کاری که صرف تولید نیروی کار شده است، به ظهور میرساند و ثانیاً در طول این پروسه است که "مود" بودن معنای مادی و واقعی پیدا میکند. مارکس کار مود را کاری تعریف میکند که پس از مبادله صورتی با سرمایه عملادر پروسه تولید توسط سرمایه مصرف میشود. این دومی بیانگر وجه مادی تولید است. مسأله بر سر انجام پروسه کار و تولید ارزش مصرف بطور کلی است و نه نوع معینی از ارزش مصرف. وجه مادی تولید نه با این یا آن پروسه کنکرت کار (کشاورزی، بافندگی و غیره) نه با این یا آن ارزش مصرف معین، بلکه با نفس وجود پروسه کار بطور کلی معنی پیدا میکند. نه کار کنکرت، بلکه کار به معنای عام کلمه، کار مجرد، منشأ ارزش است.

بر این مبنای مارکس قادر میشود تا هم "مادی‌گرایی" خام‌اندیشانه فیزیوکراتها که هلاک مود بودن کار را تولید محصول مادی نوع معینی میدانستند، و هم تلقی صوفی "کمی" اسمیت و ریکارو را که نفس مبادله شدن با سرمایه را برای مود بودن کار کافی میدانستند و لذا هم از وجه مادی تولید انتزاع میکردند و هم منشأ ارزش اضافه را میپوشاندند، به درستی رد کند. کار مود برای مارکس کاری است که ارزش اضافه تولید میکند، یعنی هر دو فاز مبادله با سرمایه را طی میکند. مارکس میان کمیت "ارزشی" ثروت تولید شده با موجودیت مادی و فیزیکی آن رابطه‌ای صحیح برقرار میکند، و برای نخستین بار به نظریه "کار

از صفحه ۳

... درباره کار مولد و غیر مولد

منشأ ارزش است "محتوای روشن و بدون ابهام میبخشد. مارکس پرده از راز "قدرت مولد سرمایه" برمیدارد. آنچه در جامعه بورژوازی خود را به صورت قدرت مولد سرمایه نشان میدهد، در واقع هیچ چیز جز قدرت مولد نیروی کار نیست. تحلیل مارکس نتایج تئوریک و عملی مستقیمی در بر دارد. اولاً، تعریف صحیح کار مولد و غیر مولد به او امکان میدهد که سرمایه را آنجا که عملاً "مولد" نیست، یعنی آنجا که با کار مولد مبادله نشده است (سرمایه تجاری و غیره) بازشناسد. فرمول بورژوازی "هر کاری با سرمایه مبادله شود مولد است" که عملاً سرمایه را منبع ارزش و ثروت قلمداد میکند، به این ترتیب با تحلیل مارکس در هم پیچیده میشود. ثانیاً مارکس قادر میشود تا تصویر روشنی از رابطه سرمایه "مولد" و غیر مولد به دست دهد. درک مبانی رقابت اقشار مختلف سرمایه بویژه در شرایط بحران و نقش دولت مدرن بورژوازی در تنظیم مناسبات درونی سرمایه‌های مختلف با یکدیگر، بدون درک صحیح تعریف مارکسیستی کار مولد و غیر مولد امکان‌پذیر نیست. ثالثاً در تمایز با متفکرین بورژوا، مارکس تحلیل پروسه انحطاط و بحران سرمایه‌داری را به عرصه انباشت سرمایه و پروسه تولید ارزش اضافه می‌کشد. اینجا وجه "کمی" و "ارزشی" تولید با وجه "فیزیکی" و "فنی" آن بدرستی ترکیب میشود. چه در نظریه گرایش نزولی نرخ سود - که در آن افزایش ترکیب ارگانیک سرمایه (و نه فقط ترکیب ارزشی یا فنی آن) نقش محوری دارد (سرمایه جلد سوم) - و چه در مبحث بازتولید کل سرمایه اجتماعی و رابطه متقابل بخشهای مختلف سرمایه در این پروسه (سرمایه جلد دوم)، مارکس به طرز درخشانی وجه کمی و کیفی تولید سرمایه‌داری را در وحدت با هم بررسی میکند. اینجا قدرت تحلیل مارکس بویژه مدیون تعریف صحیح او از کار مولد و غیر مولد است. و بالاخره رابعاً مارکس گنجینه تئوریک سرشاری برای تحلیل مشخصات پرولتاریا بمثابة یک طبقه و شکال گوناگون رویارویی بخشهای مختلف طبقه کارگر با بورژوازی فراهم میسازد. بخشی از طبقه کارگر توسط سرمایه "نامولد" استخدام میشود. کار غیر مولد این کارگران از نقطه نظر کل سرمایه اجتماعی به همان درجه ضروری است که کار کارگران مولد.

همین واقعیت که کارگران غیر مولد ارزش اضافه تولید نمیکنند، آنان را در موقعیتی ویژه در قبال سرمایه قرار میدهد. نحوه استثمار این کارگران، نقش آنان در پروسه بازتولید کل سرمایه اجتماعی و رابطه کارگران مولد و غیر مولد با یکدیگر، اینها از جمله نکات اساسی است که مارکس با تحلیل خود از کار مولد و غیر مولد بدروستی تشریح میکند. وحدت عملی طبقه کارگر در مبارزه علیه بورژوازی در گرو شناخت اشتراک منافع واقعی بخشهای مختلف طبقه کارگر، اعم از مولد و غیر مولد، و درک شکال اقتصادی، سیاسی و فرهنگی ویژه است که بورژوازی از این تفاوت در صفوف طبقه کارگر برای حفظ سودآوری و نیز قدرت سیاسی و اجتماعی خود بهره میگیرد.

با بحران دو دهه اخیر در کشورهای سرمایه‌داری پیشرفته اروپای غربی و آمریکا و با آغاز پروسه تجدید سازمان بنیادی سرمایه در این کشورها، مبحث کار مولد و غیر مولد، بمثابة گوشه‌ای از تئوری مارکسیستی بحران، اهمیت و برجستگی مییابد. بورژوازی یورش وسیع خود را به طبقه کارگر دنبال میکند. این حملات در دو جنبه اصلی صورت میگیرد. اول، افزایش بارآوری سرمایه‌های تولیدی از طریق افزایش بارآوری کار و ثلثاً کاهش شدید هزینه‌های خدمات عمومی دولتی و همراه آن بیکار کردن بخش وسیعی از کارگران شاغل در این بخش. در مجموع حاصل این سیاست افزایش سریع بیکاری، کاهش سطح معیشت کل طبقه کارگر از طریق تحمیل معیشت بیکاران به خواهران و برادران شاغل آنها، کاهش کل دریافتی طبقه کارگر از تولید اجتماعی با حذف انواع خدمات اجتماعی و کاهش دستمزدها، و نیز افزایش شدت کار کارگران شاغل است. بطور خلاصه بورژوازی میکوشد تا از یکسو استثمار کارگران مولد را شدت بخشد و از سوی دیگر بخش هر چه وسیعتری از کارگران غیر مولد را به ارتش بیکاران روانه کند. جنبش سندیکایی و همراه آن همه چپ رفرمیست اروپا در مقابل موج فزاینده بیکاری، تبلیغات بورژوازی در مورد احیای پایه صنعت ملی، و تشدید تمایلات محافظه‌کارانه قسمتی و صنفی در میان کارگران عملاً خلع سلاح شده و حتی از سازماندهی یک دفاع سیستماتیک در برابر بورژوازی ناتوان مانده است. توانایی مارکسیست‌ها در مقابله با این موقعیت، منوط به یک روشن‌بینی تئوریک در مورد بحران اقتصادی موجود است. تئوری

مارکسیستی بحران و نظریه کار مولد و غیر مولد ابزار دستیابی به این روشن‌بینی و قابلیت تجزیه و تحلیل اوضاع موجود است.

اما جایگاه تئوری کار مولد و غیر مولد مارکس در نقد اقتصاد سیاسی و بسط این تئوری به بحران امروز جهان سرمایه‌داری هر چه باشد، ما با تلقیات کاملاً متفاوتی در "چپ" ایران در مورد کار مولد روبرویم. شاید هرگز به ذهن مارکس خطور نمیکرد که صد سال پس از کتاب سرمایه، نوع جدیدی از "فیزیوکراتیسم" در ایران پا به عرصه وجود بگذارد. گفتیم که اهمیت اسمیت در این بود که لااقل در سطح ظاهر قضاوت اخلاقی در مورد کار مولد را به دور افکند و بجای مسأله تولید ارزش معین، نفس تولید ارزش را ملاک مولد بودن کار قرار داد. دیدیم که مارکس چگونه کار مولد را بدرستی کاری تعریف نمود که "تولید ارزش اضافه" مینماید. این تعریف کار مولد در جامعه سرمایه‌داری است. اما آنچه ما در ادبیات چپ ایران با آن روبرویم نوعی اخلاقیات "ناسیونالیستی" و نوعی فیزیوکراتیسم التقاطی است که نه از تحلیل اقتصادی جامعه سرمایه‌داری، بلکه از سیاست و یا توهّمات "استقلال‌گرایانه" بورژوازی و خرده بورژوازی یک کشور تحت سلطه عزیمت میکند. این "فیزیوکراتیسم ناسیونالیستی" که در ادبیات راه کارگر، وحدت کمونیستی، خط ۳، سه جهانی‌ها، و فدائیان بطور یکسان مشاهده میشود، ملقمه‌ای از ملی‌گرایی و عشق به استقلال صنعتی و خودکفایی اقتصادی است. در این دیدگاه کار مولد کاری است که در خدمت رشد "اقتصاد صنعتی موزون، خودکفا و مستقل ایران" قرار داشته باشد. تولید کالاهای "بنجیل" کار مولد نیست، کار در صنایع "موتناژ" و "وابسته" کار مولد نیست، کار در بخشی از فعالیت اقتصادی و تولیدی که در "علم" اقتصاد بورژوازی نام خدمات گرفته است (نظیر حمل و نقل، بهداشت، آموزش و پرورش و غیره) کار مولد نیست. همه با پاراگراف‌های طویلی از این دست در ادبیات سازمانها و جریانات فوق‌الذکر آشنایی داریم. این تعبیرات، فیزیوکراتی است، زیرا کار مولد را با هلاک تولید ارزش‌های مصرف معین میسند. ناسیونالیستی است، زیرا همین ارزشهای مصرفی معین را هم فقط آنجا که خیرش

مستقیماً به امر "استقلال ملی" برسد، به رسمیت می‌شناسد، و صنعتی است، زیرا از صنایع موتناژ و تولید کالاهای بنجیل که بگذریم، تمام شاخه‌های تولید "غیرمادی" و فرهنگی و رفاهی را، درست به سبب بورژوازی محافظه‌کار اروپا، به کنار میگذارد. این تعابیر مارکسیستی که نیست، سهل است، در قیاس با عقب‌مانده‌ترین نظریات اقتصاد سیاسی دو قرن قبل، جاهلانه و غیر علمی به نظر میرسد. هلاک مولد بودن کار در این نگرش، نه مبادله آن با سرمایه و مصرف آن در پروسه کار، نه تولید ارزش اضافه، بلکه مطلوبیت آن بر حسب نوعی اخلاقیات ناسیونالیستی و آرمانهای صنعت‌گرایانه از پیشی است. به جای نظریه "کار مولد از نقطه نظر تولید سرمایه‌داری"، نظریه "کار مولد از نظر منافع میهن" مینشیند. بعلاوه (و این بسیار مهم است)، تفکیک کار مولد و غیر مولد در تئوری مارکسیسم ابتدا برای تقدیس کار مولد و تکفیر کار غیر مولد نیست. این مقولات در مارکسیسم در رابطه با جایگاهشان در تولید سرمایه‌داری و از زاویه تولید ارزش اضافه تحلیل میشوند. بخصوص در تولید سرمایه‌داری هر دو نوع کار ضروری اند. قضاوت اخلاقی درباره کار مولد و غیر مولد امر بورژوازی و آنهم سرمایه‌دار بخش "تولیدی" است. مارکس با تحلیل کار مولد و غیر مولد، امکان میدهد تا موقعیت بخشهای مختلف طبقه کارگر بدرستی شناخته شود. زیرا تنها شناخت عینی از رابطه سرمایه با بخشهای مختلف کارگران امکان میدهد تا وحدت واقعی کل طبقه کارگر تأمین شود. اما در چپ ایران قضاوت اخلاقی ناسیونالیستی در مورد "کار مولد و غیر مولد" بسیار رایج است. حملات امثال راه کارگر و وحدت کمونیستی به بخش "خدمات"، سرکوفت‌هایشان به "صنایع موتناژ" و نگرانی‌شان از ناتوانی بورژوازی به کانالیزه کردن امکانات به صنایع پایه و افزایش بارآوری کار و نرخ استثمار، نمونه‌هایی از این قضاوت اخلاقی بورژوا- ناسیونالیستی در مورد کار مولد و غیر مولد است. در مقابله با این دیدگاهها است که مارکسیستهای انقلابی ایران مدام خود را با وظیفه توضیح واضحات، دفاع از موجودیت کارگران در این با آن بخش از اقتصاد، دفاع از کارگران صنایع "موتناژ" و خدمات، یادآوری نقش نیروی کار ارزان و غیره میبایند. *

لینک ترجمه مقاله مارکس در سایت منصور حکمت:

<http://www.marxengels.public-archival.net/fa/ME1920fa.html>



زندان نمیتواند صدای اعتراض جامعه را خاموش کند!

ناصر اصغری

جامعه را مرعوب کند و این موج اعتراضات را عقب براند. جامعه اما فریاد زده است که "نمی توانید هم نان را از ما قطع کنید و هم زبان اعتراضمان را ببندید".

رژیم شلاق و شکنجه را باید بزیر کشید

جمهوری اسلامی با وقاحت و بی شرمی ای که فقط از یک چنین رژیمی برمی آید برای حمید رحمتی، یکی از معلمان معترض و عضو کانون صنفی معلمان، حکم قرون وسطایی شلاق، زندان و تبعید صادر کرده است. شعبه ۱۰۳ دادگاه کیفری جمهوری اسلامی در شهرضا وی را به احکام وحشیانه و شنیع ۳ سال زندان، ۷۴ ضربه شلاق و دو میلیون جریمه نقدی محکوم کرده است. حکم صادر کرده اند که ضربات شلاق در حیاط زندان با حضور کلیه زندانیان و قاضی ناظر بر زندان اجرا خواهد شد. این اوپاش اسلامی بخیال خود با این عمل وحشیانه و تحقیر زندانیان اسیر می خواهند سایر فعالین جنبش های اعتراضی را مرعوب کنند و مانع ادامه فعالیتشان بشوند. اما شکست این روشهای کثیف بارها باثبات رسیده است.

طبق خبرهای منتشر شده در یکی دو هفته اخیر، جمهوری اسلامی بار دیگر تکی چند از فعالین کارگری و بازداشت شدگان اول ماه مه را که قبلا با قرار وثیقه آزاد شده بودند به دادگاه فراخوانده و بار دیگر دست به محاکمات نمایشی و مسخره زده است. پروین محمدی، یکی از بازداشت شدگان اول مه تهران که موقتا آزاد شده بود، طی ابلاغیه ای به دادگاه انقلاب کرج احضار شده و اتهام وی "تبلیغ علیه نظام جمهوری اسلامی" قید شده است. دادگاه انقلاب تهران شعبه ۲۸ هم، روز ۱۱ تیر ۹۸، علی نجاتی، عضو سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه را احضار کرد و اتهامات وی، "اجتماع و تبانی به قصد اقدام علیه امنیت کشور، و اقدام علیه امنیت ملی کشور از طریق اقدام تبلیغ علیه نظام" ذکر شده است. آنبیسا اسداللهی (مریم) نیز که از بازداشت شدگان اول مه بود و با قرار کفالت آزاد شده بود، بار دیگر روز ۲۸ خرداد بازداشت می شود. اعضای خانواده او گفته اند که ۲۰ روز بعد از دستگیری مجدد ایشان، او را همچنان در سلول انفرادی نگه داشته اند. پنجم تیر، وحید فریدونی عضو سندیکای کارگران شرکت واحد و از بازداشت شدگان اول مه که با

قرار وثیقه آزاد شده بود، به دادگاه احضار و به جرم "اخلال در نظم عمومی" محاکمه شد. روز ۱۷ تیر، مأموران اطلاعات به منزل مریم محمدی، از فعالین کارگری و عضو "ندای زنان ایران" یورش برده و او را به مکان نامعلومی بردند. اسماعیل بخشی، نماینده و رهبر اعتراضات پر قدرت کارگران نیشکر هفت تپه را به جرم دفاع از منافع کارگران در زندان اوین به بند کشیده و در آخرین اخبار منتشر شده، کارفرمای این مجتمع در ادامه فشار بر خانواده وی، قرارداد کار او را فسخ و حقوق و ممر درآمدش را قطع کرده اند. کارگران نیشکر هفت تپه هم در جواب این برده داری ایستاده، اعلام کرده اند که اگر قرارداد اسماعیل بخشی تمدید و حقوق اش در روزهای آینده پرداخت نشود، دور جدیدی از اعتراضات در نیشکر هفت تپه آغاز می شود.

یک نمونه دیگر از توحش رژیم، ضرب و شتم شدید دو تن دیگر از بازداشت شدگان اول ماه مه، ندا ناجی و عاطفه رنگریز به دلیل نپوشیدن چادر در روز ۱۵ تیر بود. بازداشت شدگان را به غل و زنجیر کشیده و با مشت و لگد به جان او می افتند! این رژیم فقط شایسته عنوان "جبون" را دارد.

در بسیاری از موارد، جمهوری اسلامی برای وارد کردن فشار بیشتر بر این زندانیان سیاسی، آنها را با زندانیان مبتلا به هپاتیت و سل همبند می کند و بدون دسترسی به امکانات درمانی، آنها را در معرض ابتلا به چنین بیماریهایی می گذارد. سپیده قلیان، که با ندا و عاطفه در زندان قرچک ورامین است، در اعتراض به این وضعیت و اعتراض به ضرب و شتم زندانیان سیاسی، فضای ملتهب زندان، و قطع آب و نبود کولر در زندان قرچک ورامین دست به تحصن زده است.

از سوی دیگر، در بیرون زندان فقر و فلاکت چهره جامعه را زخمی کرده است. فقر و فلاکت فراگیر و بی سابقه ای که جامعه را در خود فروبرده است جز با سرنگونی این حکومت چاره ای ندارد. فقر و فلاکت جوانان را بیکار و به اعتیاد کشانده، و کودکان را به گرسنگی محکوم کرده است. شرایط مرگباری است که زنان را به فحشاء و تن فروشی بی سابقه ای کشانده است. موقعیت معیشتی بی سابقه ای است که دختران جوان را مجبور به ازدواج با مردان همسن

پدر بزرگانشان می کند که شاید بتوانند از مستمری ایشان استفاده کنند!...

در مقابل این شرایط ضد انسانی و غیر قابل تحمل، جنبش کارگری و مبارزه و اعتراضات ادامه دار کارگران امید به خلاصی از این وضعیت را در جامعه موجب شده است. و در ادامه باید گفت که آنچه که اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه و کارگران صنایع فولاد اهواز را از دیگر اعتراضات تاکتونی در جامعه تفکیک می دهد، حاکم کردن گفتگمانی متفاوت در جامعه است. برگزاری مجامع عمومی به یک سنت تبدیل شد. با دستگیری ها فعالان مقابله می شد و توطئه های عوامل رژیم بی تأثیر می ماند. شعارهای رادیکال و تعرضی شعارهای هر روزه کارگران و توده مردم شد. طرح اداره شورایی کارخانه یک گتتمان عادی در بین فعالین کارگری شد. چشمها به سوی اعتراضات کارگری و نقش طبقه کارگر در تحولات پیش روی جامعه دوخته شد. امیدها به این اعتراضات و نقش رهبران آن گره خورد و فعالینی مثل اسماعیل بخشی به سمبل این اعتراض تبدیل شدند.

و بالاخره باید به این نکته تاکید کرد که در ادامه اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه و کارگران صنایع فولاد روحیه و طرح مقابله با امنیتی سازی اعتراضات کارگری که جعفر عظیم زاده و اسماعیل عبدی یک اعتراض مشترکی را در زندان در این باره آغاز کردند، شدت گرفت و با این دو اعتراض و با فضای اعتراضی در جنوب ایران توده ای شده است.

جامعه در دفاع از رهبران خود

جامعه ایران که از رژیم جمهوری اسلامی نفرت دارد، از رهبران جنبش های اعتراضی تمام قد حمایت کرده و می داند که با هر عنوانی این فعالین را دستگیر و به بند کشیده باشند، جرم واقعی شان مطرح کردن خواسته های برحق توده مردم کارکن و شریف جامعه و اعتراض به سرکوب و لگدمال کردن این حقوق بوده است. مردم خوب می دانند که همه اتهامات بر علیه این فعالین واهی و ساختگی است. از همان روز دستگیری اسماعیل بخشی، میشم آل مهدی و سپیده قلیان و دیگر دستگیر شدگان اعتراضات کارگری و به دنبال آن نمایش مسخره شوهای تلویزیونی

سالهاست که اعتراض به جمهوری اسلامی و اعمال آن یک وجه از خصوصیات جامعه ایران است. این جامعه ای است که نمی خواهد سر به تن رژیم اسلامی فقر و حقارت باشد. در جلوی صف این اعتراضات صفی از فعالین کارگری و دیگر جنبش های اعتراضی قرار دارند. صفی از فعالینی که در تلاشند این اعتراضات را به کانالی متحد و یکپارچه سمت و سو بدهند. در اعتراضات هفت تپه، فولاد اهواز، شرکت واحد، هپکو، بازنشستگان، معلمان، پرستاران، دانشجویان، در دفاع از محیط زیست، علیه آپاتاید جنسی، در کمک رسانی به سیل زدگان، در کمک رسانی به زلزله زدگان، و همه اعتراضاتی که به سیمای سیاسی ایران رنگ و بوی دیگری داده است، حضوری فعال دارند. رژیم هار اسلامی هم که موجودیت و منافعش در تقابل با خواسته های انسانی معترضین است، با دستگیری وزیر فشار گذاشتن این فعالین و با ضرب و شتم آنها می خواهد

مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی کارزاری مهم علیه جمهوری اسلامی

یاشار سهندی

مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی که در شعار "زندانی سیاسی آزاد باید گردد" تجلی می یابد قدمتی به اندازه خود حاکمیت سرمایه در ایران از ابتدا تاکنون داشته است. این خواست مهم و اساسی که در خود به معنی تاکید بر آزادی بی قید و شرط سیاسی است به نوعی مبارزه ای است بر علیه شکنجه و اعدام در صد ساله گذشته و آنچه حاکمیت "دولت مدرن" در ایران نامیده میشود، که استفاده وسیع از ابزارهای قرون وسطایی اساس و شالوده این دولتها را تشکیل داده است. در چند سال گذشته این شعار، با شعار "کارگر زندانی آزاد باید گردد" تکمیل شده است که این دومی در

واقع نشانگر بروز آگاهی طبقاتی در مبارزه ای است که روز به روز خصلت آشکارتی از مبارزه طبقاتی را به نمایش میگذارد. این مبارزه در طی سالهای گذشته به اشکال مختلف و برای آزادی فعال کارگری مشخصی بروز یافته است. از محمود صالحی تا اسماعیل بخشی (و مبارزه برای رهایی فعالین کارگری در بند) جلوه های گوناگون و آشکار مبارزه طبقاتی است. مبارزه ای که نشان داده است که کارگر در ایران دیگر نمی خواهد خاموش بماند.

شش ماه است که از بازداشت مجدد اسماعیل بخشی میگذرد. بازداشت مجدد اسماعیل بخشی در پی این بود که او بعد از شکنجه ها و تحقیرهایی که در دوره اول بازداشت خود بخاطر رهبری مبارزات کارگران هفت تپه متحمل شد و با کارزاری که علیه شکنجه در بین دو بازداشت راه انداخت کینه عمیق حکومتیان را بر علیه خود برانگیخت. در شش ماه گذشته با وجود آنکه خبرهای بسیار محدودی از او به بیرون از زندان درز پیدا میکند اما همین که در پی آن هستند که حقوق او را قطع کنند و بدین ترتیب قصد فشار بیشتر بر خانواده او دارند تا بدین وسیله او را تسلیم سازند نشان میدهد که او سرافرازانه در مقابل شکنجه گران ایستاده است. عکس العمل جویبانه حکومت نشان گر شکست بازجویان قسی القلب سرمایه است.

جسارت مثال زدنی اسماعیل بخشی وقتی بروز اجتماعی یافت که دست روی نکته درست و حساسی گذاشت و نشان داد که وقتی پای سود سرمایه در میان است تمام کاربدستان حکومت یک شکل هستند و

یک صدا علیه کارگزارند. شجاعت اسماعیل بخشی وقتی به چشم همگان آمد که با صراحت بی نظیری آلترا تویو شورایی را مطرح کرد و ثابت کرد که طبقه کارگر هم یک نیروی اصلی در زمینه سیاست و اداره جامعه است و حرف اساسی برای گفتن دارد. این شجاعت و جسارت تمام تبلیغات تاکنونی که سعی دارد از کارگر و طبقه کارگر صرفاً یک موجود توسری خور نشان دهد که تنها در خور دلسوزی هستند دود کرد و به هوا فرستاد. برخورد بی نهایت خشن با اسماعیل بخشی و سپیده قلیان و شکنجه های مداوم تحت عنوان بازجویی در شش ماه گذشته که این دو از سر میگذارند نشانه درماندگی مزدوران سرمایه است. شجاعت فردی وقتی با آگاهی طبقاتی همراه میشود مرگ ناپذیر میگردد و اسماعیل تبلور خود آگاهی طبقه کارگر ایران است. وقتی کارگران فریاد زدند "اسماعیل را گرفتند - ما همه بخشی هستیم" بیش از هر چیز تاکیدی بود بر خود آگاهی کارگران که در نتیجه مبارزه خویش بر سر زندگی به رهبری اسماعیل بخشی به آن رسیدند.

هجوم دامنه دار سربازان گمنام امام زمان به فعالین کارگری و دانشجویی و زنان در شش ماه گذشته نشان میدهد موضوع محدود به اسماعیل بخشی نبوده اما طبقه کارگر به وجود اسماعیل بخشی و شجاعت او و دیگر رهبران کارگری نیاز مبرم دارد. باید تلاش کرد و نگذاشت که بیش از این جسم او را فرسوده سازند. پدیده ای به نام اسماعیل بخشی نتیجه مبارزات چهل ساله اخیر طبقه کارگر است. رهبرانی مانند اسماعیل را طبقه

کارگر ایران مفت بدست نیاورده است که راحت از دست بدهد. باید کارزاری که برای رهایی او شکل گرفته دامنه و وسعت زیادی بگیرد. از امضای طومار اعتراضی تا اخطار کارگران هفت تپه در صورت عدم تمدید قرارداد اسماعیل بخشی و قطع حقوق او دست به اعتصاب خواهند زد نشان میدهد که دستاوردهای مبارزاتی اسماعیل بخشی از بین نرفته است. برخلاف آنچه سعی میشود جلوه داده شود که کارگران هفت تپه سکوت کرده اند اقداماتی از این دست ثابت میکند که کاربدستان سرمایه بهتر میدانند که سکوت ظاهری کارگران نشان از فریاد عمیق در اعماق است چرا که چیزی در این میان حل نشده است و اسماعیل بخشی (و بخشی ها) با مقاومت و شجاعت در مقابل بازجویان سرمایه تاکید دارند که مبارزه ادامه دارد و کارگر دیگر نمی تواند خاموش بماند و بدین گونه "کارگر خاموش" روز به روز بیشتر برای سرمایه در ایران به رویایی دست نیافتنی تبدیل میشود.

مبارزه برای زندانیان سیاسی و کارگر زندانی بیش از همیشه باید به یک رکن مهم مبارزه تبدیل شود و کارزای های حمایتی از کارگران زندانی این ظرفیت را دارد که به نقطه عطفی در مبارزه بر علیه جمهوری اسلامی و کل سرمایه تبدیل شود. برای همین باید و شایسته است که کارزار اخیر که در مورد اسماعیل بخشی شکل گرفته است مورد حمایت همه جانبه تری قرار گیرد.*

نمی تواند اعتراضات کارگران را خاموش کند، بلکه با دست درازی به امنیت آنها موجی اعتراضی به همین دست درازی به راه خواهد افتاد. باید با تمام توان از فعالین دربند جنبشهای اعتراضی دفاع کرد و به کمیتهای موجود علیه امنیتی سازی اعتراضات کارگری پیوست. این، راه مقابله با شرایطی که جمهوری اسلامی بر جامعه حاکمه کرده است را تسهیل خواهد کرد. کارگران زندانی و همه زندانیان سیاسی را با قدرت اعتراض جمعی میتوان آزاد کرد.*

۸ ژوئیه ۲۰۱۹

دنبال آن، کمپین و فراخوانهایی برای پیوستن به اعتراض به زندانی کردن و زیر فشار گذاشتن فعالین کارگری به راه افتاد که روز به روز قدرتمندتر می شود. یکی از این کمپین ها، کمپینی است تحت عنوان "آزادی بازداشتی های هفت تپه و زندانیان ترقی خواه" که با قدرت به پیش می رود. در میان معلمان هم زمزمه اعتراض به حکم شلاق حمید رحمتی بلند شده است و کمپینی تحت عنوان "ما همه یک صدا برای آزادی معلمان زندانی، از حمید رحمتی حمایت میکنیم"، به راه افتاده

از صفحه ۵

زندانیان نمیتوانند صدای اعتراض جامعه را خاموش کنند!

جمهوری اسلامی، موجی از اعتراض علیه دستگیری آن فعالین به راه افتاد. در اعتراضات کارگران، معلمان و بازنشستگان، یک تم اعتراض و شعار این اعتراضات علیه پاپوش دوزی و "مستند سازی بود که دردی از بحرانهای گریبانگیر رژیم را دوا نخواهد نکرد. به

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

مرگ بر جمهوری اسلامی!

در حمایت از کمپین "آزادی بازداشتی های هفت تپه"

اسماعیل بخشی ها و سپیده قلیان ها، در قلب همه مردم اند

بخشی ها به سمبل این اعتراض تبدیل شدند.

اعتصابات طولانی مدت در این دو مرکز بزرگ کارگری موقتا به پایان رسید اما علیرغم آنکه به تمامی اهداف مورد نظر خود نرسید، دستاوردهای بسیاری برای طبقه کارگر و کل مردم آزادیخواه از خود بجا گذاشت. اکنون چند ماه از دستگیری اسماعیل بخشی و سپیده قلیان و همچنین برخی از اعضای هیات تحریریه نشریه گام، ساناز الهیاری، امیر امیرقلی و امیر حسین محمدی، میگذرد. اسماعیل بخشی و سپیده قلیان را بارها شکنجه کردند. آنها را به اتهام "اخلال در نظم عمومی"، "اجتماع و تبانی علیه امنیت ملی"، "مشارکت در تشکیل گروه با هدف بر هم زدن امنیت"، "نشر اکاذیب، فعالیت تبلیغی علیه نظام و توهین به مقامات"، "همکاری با گروههای معاند و اخلال در نظم عمومی" زندانی کرده اند. قرارداد کاری و ممر در آمد اسماعیل بخشی را قطع کرده اند. اما رژیم اسلامی دیگر در دوران قدر قدرتی خود نیست. نه "مستند" سازی شان دردی از دردشان دوا میکند و نه این اتهامات باعث ارباب جامعه و دستگیرشدگان میشود. بر عکس، اکنون اعتراض برای آزادی بی قید و شرط تمامی دستگیر شدگان این اعتراضات و همچنین کسانی که به قید وثیقه آزاد شده اند، علی نجاتی و عسل محمدی، روز به روز ابعاد گسترده تری بخود میگیرد.

در همین راستا اخیرا کمپینی تحت عنوان برای "آزادی بازداشتی های هفت تپه و زندانیان ترقی خواه" اعلام شده است که بیش از هزار تن آن را امضا کرده و اسامی تعدادی از فعالین سرشناس کارگری نیز در میان آنها دیده میشود. در بیانیه این کمپین آمده است:

از همان روز دستگیری اسماعیل بخشی و سپیده قلیان موجی از اعتراض در ایران و در خارج کشور علیه دستگیری آنها و سایر دستگیر شدگان مرتبط با هفت تپه به راه افتاد و اکنون نیز کارزار مهم دیگری برای آزادی دستگیرشدگان هفت تپه و زندانیان سیاسی شروع شده است که باید با تمام قوا آنرا تقویت کرد. اعتراضات کارگران نیشکر هفته و همینطور کارگران فولاد اهواز بدون تردید یک نقطه عطف در تاریخ مبارزات طبقه کارگر در دوران حاضر است. اما آنچه این اعتراضات را از سایر تلاشهای تاکنونی طبقه کارگر مجزا میکند، نفس یک اعتراض بر حق و متحد و قدرتمند کارگری نیست. تاریخ طبقه کارگر مملو از چنین تلاشهایی است. این اعتراضات بدلیل ویژگی های خود، جایگاه مهمی در جامعه پیدا کرد و دستاوردهایی مهم و تاریخی از خود بجا گذاشت. برگزاری هر روزه مجمع عمومی، کشاندن اعتصاب و اعتراض به خیابانهای شهر، حضور فعال خانواده های کارگری و به میدان آوردن مردم شهر، حضور زنان در خط مقدم این اعتراضات، مقابله با دستگیری ها و انواع توطئه های حکومتیان و متحد نگهداشتن هزاران کارگر، شعارهای رادیکال و تعرضی، جلو آمدن صفی از رهبران کارگری با سخنرانی های عمیق و پرشوری که حرف دل همه مردم بود، طرح اداره شورایی کارخانه، استفاده موثر از مدیای اجتماعی و خبررسانی به کل جامعه، تصویری تازه از جنبش کارگری به کل مردم داد و رهبران کارگری در این اعتراضات را به رهبران محبوب جامعه تبدیل کرد. چشمها به طرف اعتراضات طبقه کارگر و نقش طبقه کارگر در تحولات سرنوشت ساز پیش روی جامعه دوخته شد. امیدها به این اعتراضات و نقش رهبران آن گره خورد و اسماعیل

"ما امضا کنندگان زیر ضمن حمایت از کمپین آزادی بازداشتی های هفت تپه و زندانیان ترقی خواه اعلام میداریم که بازداشت و پرونده سازی برای کارگران و فعالین کارگری مرتبط با اعتراضات سال گذشته مجتمع نیشکر هفت تپه را محکوم میکنیم... ما ادامه بازداشت کارگران و فعالین کارگری مذکور و صدور حکم سه ماه زندان برای عثمان اسماعیلی را ناعادلانه میدانیم و بر این باوریم اعتراض و اعتصاب برای دفاع از منافع و سیاست از حقوق اجتماعی طبقه کارگر در قالب سازمانهای مستقل مختلف از سندیکا و اتحادیه و حزب و... نه تنها جرم نیست بلکه از حقوق اولیه اجتماعی ماست و باید برسمیت شناخته شود." "ما خواهان مخومه شدن تمامی پرونده های تشکیل شده برای کارگران، فعالین کارگری و افرادی که به اتهام سیاسی در مراجع قضایی کشور بدلیل فعالیت های کارگری و انسانی بازداشت هستند، هستیم و خواستار آزادی بی قید و شرط تمامی زندانیان در بند می باشیم."

حزب کمونیست کارگری ضمن حمایت قاطع از این کمپین تمامی مدافعین آزادی و برابری و حقوق کارگری را به حمایت گسترده تر از این کمپین فرا میخواند. حزب در سطح بین المللی فعالیت های مستمری را در این زمینه به پیش برده و همچنان به این فعالیت ها ادامه خواهد داد. آزادی تمامی فعالین دستگیر شدگان اعتراضات هفت تپه و تمامی کسانی که در تجمع اول ماه مه دستگیر شدند، جعفر عظیم زاده و اسماعیل عبدی و سایر کارگران و معلمان زندانی و مقابله با شلاق و شکنجه و رفتار شکنجه ای که با زندانیان میشود، یک گام مهم در مبارزه علیه جمهوری اسلامی و در راه دستیابی به جامعه ای است که در آن اثری از زندانی سیاسی و جرم سیاسی نباشد. جامعه ای که در آن آزادی و برابری و رفاه سهم همگان است.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۷ تیر ۱۳۹۸، ۸ ژوئیه ۲۰۱۹

چند خبر از اعتراضات کارگری

- روز ۱۳ تیرماه کارگران شهرداری سرفاریاب در اعتراض به عدم پرداخت ۴ ماه مزد معوقه خود دست از کار کشیدند.

- بدنبال تجمع اعتراضی کارگران کارخانه قند فسا در روز ۹ تیر به خاطر ۴ ماه معوقات مزدی شان، مقامات مسئول ناگزیر به دادن وعده هایی شدند. پرداخت هزینه بازنشستگی کارگران مشمول، پرداخت معوقات مزدی، پرداخت سنوات و تامین امنیت شغلی برای کارگران، خواستهای فوری کارگران در این تجمع بود. زیر فشار این اعتراضات روز ۱۱ تیر شورای تامین فرمانداری شهرستان فسا با حضور مسئولان شهرستانی ناگزیر به برگزاری جلسه ای شد. در این جلسه مقرر شد که تا پایان تیر ماه

مطالبات معوقه کارگران پرداخت شود. در عین حال تا روز ۲۰ تیر بخشی از معوقات بیمه ای آنان جهت تمدید دفترچه های درمانی به تامین اجتماعی واریز گردد. همچنین مقرر شد کارفرما وضعیت پرداخت هزینه بازنشستگی کارگران مشمول بازنشستگی با قانون مشاغل سخت و زیان آور را مشخص نماید.

- روز ۱۱ تیر جمعی از کارگران شرکت لاستیک پارس در اعتراض به واگذاری شرکت به بخش خصوصی و تهدید امنیت شغلی شان مقابل ساختمان اداری این شرکت تجمع کردند. در رابطه با همین موضوع و مرخصی های اجباری که مقدمه دور دیگری از بیکارسازی است، این کارگران در روز قبل از آن نیز تجمع داشتند. به گفته

کارگران هفته قبل کارفرما به بهانه اتمام نخ کارخانه، آنان را به تعطیلی تابستانی فرستاد و اعلام کرد که ۵ روز از مرخصی استحقاقی آنان را کسر خواهد نمود. طی دو سال گذشته در این کارخانه هزار کارگر اخراج شده اند و ۷۰۰ کارگر دیگر در آنجا به کار اشتغال دارند.

- روز ۱۱ تیر دستفروشان بازار تبریز در مقابل در ورودی بازار بزرگ جایی که شهرداری با کمک نیروی انتظامی مانع کسب آنها شده بود، دست به تجمع اعتراضی زدند. آنها در همین رابطه و در اعتراض به ممنوعیت دستفروشی در هشتم تیرماه نیز مقابل استانداری این شهرتجمع کردند. دستفروشان که تنها راه امرار معاششان همین کار است، همواره با پیگرد و تهدید حکومت اسلامی روبرو هستند. این درحالیست که محرومیت از بیمه بیکاری،



وسیعاً به حکم وحشیانه شلاق برای حمید رحمتی اعتراض کنیم شرم بر حکومت شلاق و زندان

حمید رحمتی معلم معترض و عضو کانون صنفی معلمان روز هشتم دیماه در جریان تحصن و اعتصاب غذا مقابل آموزش و پرورش شهرضا در استان فارس در اعتراض به بازداشت و زندانی کردن معلمان از جمله بازداشت اسماعیل عبدی و محمود بهشتی دستگیر شد. بدنال این حرکت اعتراضی او در ۱۱ دیماه با قید وثیقه آزاد گردید. اکنون شعبه ۱۰۳ دادگاه کدایی کیفری جمهوری اسلامی در شهرضا وی را به احکام وحشیانه و شنیع ۳ سال زندان، ۷۴ ضربه شلاق و دو میلیون جریمه نقدی محکوم کرده است. بنا بر حکم صادره، ده ماه از دوران زندان حمید رحمتی در شهر نائین خواهد بود و اعلام کرده اند که ضربات شلاق در حیاط زندان شهرضا با حضور کلیه زندانیان و قاضی ناظر بر زندان اجرا خواهد شد.

حمید رحمتی پیش‌تر و در اعتراضات سراسری سال ۸۵ معلمان نیز بازداشت و از استان اصفهان به استان مازندران تبعید شد. وی در تبعید و در مسیر تردد میان محل کار و محل سکونت و در نتیجه تصادف دچار سانحه شد و مدت‌ها در کما بسر برده است.

گفتنی است که قبلاً نیز محمد حبیبی عضو دیگری از کانون صنفی معلمان به حکم وحشیانه ۷۴ ضربه شلاق و هت سال و نیم زندان محکوم شده است که هم اکنون در بازداشت می‌برد و در اعتراض به این حکم اعتراضات گسترده‌ای از سوی معلمان انجام گرفته و یک موضوع مهم اعتصابات و تجمعات اعتراضی آنان بوده است.

مبارزات قدرتمند معلمان در همین دو ساله اخیر از جمله اعتصابات سراسری و تجمعات اعتراضی شان تأثیر به‌سزایی در فضای سیاسی جامعه داشته است و این

احکام را نیز باید به موضوع اعتراضات گسترده علیه این حکومت جنایتکار و وحشی تبدیل کرد. جمهوری اسلامی با چنین احکامی میکوشد ضرب شستی به معلمان و کل جامعه نشان دهد. نفس صدور چنین احکام مادون شان بشری یک گستاخی آشکار است و نباید بی جواب بماند. باید قاطعانه و گسترده به این احکام ضد انسانی و برگرفته از سنتهای دوران جهالت بشر اعتراض کرد. پرونده تشکیل شده برای حمید رحمتی باید تماماً لغو و بسته شود. اعتراض به این حکم و احکام مشابه را باید به موضوع اعتراضاتمان در سراسر جامعه تبدیل کنیم. این مهم است که همه بخشهای جامعه، دانشجویان، کارگران، معلمان، بازنشستگان، و هم چنین اولیای دانش‌آموزان به این احکام ضد انسانی اعتراض کنند. پایمال کردن منزلت و شان معلم، به معنای پایمال کردن منزلت کل مردم است.

هم اکنون در میان معلمان ولوله‌ای از اعتراض به حکم شلاق حمید رحمتی به پا شده است. کمپینی تحت عنوان "ما همه یک صدا برای آزادی معلمان زندانی، از #حمید رحمتی حمایت میکنیم"، به راه افتاده است. از جمله در گروه‌های تلگرامی معلمان انعکاس وسیع آن را میتوان دید. در دو نمونه جالب از این اعتراضات ابتکار دو تن از معلمان به اسامی صلاح آزادی و شعبان محمدی با بدست گرفتن دست نوشته‌ای حمایت خود را از حمید رحمتی اعلام کرده اند. این نمونه‌ها را باید گسترش داد.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی انزجار شدید خود را از حکم جنایتکارانه جمهوری اسلامی برای حمید رحمتی اعلام داشته و آنرا در سطح جهانی وسیعاً انعکاس خواهد داد. یک کارزار مهم معلمان، کارزار برای آزادی معلمان زندانی و علیه امنیتی کردن مبارزات است. در دل این کارزار و با اعتراضی سراسری باید اعتراض خود را نسبت به این توحش و بربریت اعلام داشت. خواست فوری معلمان لغو تمامی احکام امنیتی صادر شده برای کارگران، معلمان و فعالین اجتماعی است. حمایت از کارزار علیه امنیتی کردن مبارزات و تأکید بر لغو احکام امنیتی و ممنوعیت احکام وحشیانه شلاق احکام شلاق و ممنوعیت چنین احکام وحشیانه‌ای از جمله بندهای مهم قطعنامه کمپین برای آزادی کارگران زندانی با تأکید بر اخراج جمهوری اسلامی از سازمان جهانی کار است. "فری دم ناو" (FTN) این کارزار را با قدرت به جلو میبرد. احکام وحشیانه شلاق و زندان علیه حمید رحمتی و محمد حبیبی باید فوراً لغو شوند. تمامی معلمان زندانی و زندانیان سیاسی باید فوراً آزاد شوند و پرونده‌های امنیتی علیه آنان بسته شود.

۱۳ تیر ۹۸

کمپین برای آزادی کارگران زندانی

شاهلا دانش‌فرد

Shahla.daneshfar2@gmail.com

<http://free-them-now.com/>

اداری شرکت سهامی ذوب آهن اصفهان اعلام کرده و درخواست کاهش ساعت کار خود بدون کاهش دستمزدهایشان تأکید کردند. گفتنی است که هریک از این کارگران بدون سنوات کاری و بیمه با حداقل دستمزد مشغول به کار هستند.

پیش‌سوی اعتصابات سراسری

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۳ تیر ۹۸، ۴ ژوئیه ۲۰۱۹

تامین کسری در آمد آنها تا رقم بالای خط فقر ۷ میلیونی، درمان رایگان و نیز تحصیل رایگان برای فرزندان‌شان از جمله حقوق پایه‌ای آنان است. از مبارزات دستفروشان باید حمایت و پشتیبانی کرد.

روز دوشنبه ۱۰ تیر شماری از کارگران زن کارخانه ذوب آهن اصفهان با برپایی تجمع خواستار کاهش ساعات کاری خود شدند. این کارگران علاوه بر برپایی تجمع، اعتراض خود را طی نامه‌ای خطاب به مدیریت امور

از صفحه ۷

چند خبر از اعتراضات کارگری

درمان رایگان و تحصیل رایگان دردی اجتماعی است. دستفروشان همواره در برابر زورگویی‌های سرکوبگران شهرداری ایستاده اند. ایجاد تسهیلات برای اشتغال،

اهدای اعضای بدن محکومین به اعدام یک اقدام جنایتکارانه جمهوری اسلامی است!

محکومین به اعدام چنان وسیع بود که دولت چین تصمیم گرفت تجارت عضو پیوندی را ممنوع کند. در جمهوری اسلامی که فساد و دزدی وجه مشخصه حکومت است، باب شدن پیوند اعضای بدن محکومین به اعدام به منبع پر سودی برای گروههای مافیای حاکم هم تبدیل خواهد شد. بطور قطع می توان پیش بینی کرد که زندانبانان جمهوری اسلامی برای به جیب زدن پولهای ناشی از فروش اعضای پیوندی، حتی اعضای بدن آنها را علیرغم میل خودشان از بدن خارج کنند و در بازار به فروش برسانند.

بنا به همه این دلایل کمیته بین المللی علیه اعدام پیوند اعضای بدن محکومین به اعدام را عملی ضد انسانی و نفرت انگیز می داند و خواهان جلوگیری از اجرای آن است. کل آئین نامه ۱۴۸ ماده ای اجرای احکام حدود، سلب حیات، قطع عضو، قصاص نفس، شلاق و تبعید در مورد چگونگی کشتن انسانها، قطع عضو و به صلیب کشاندن آنهاست و باید بدور انداخته شود. رژیم می که در همین آئین نامه اصرار دارد کسی که به اعدام و قطع عضو محکوم شده است حتما باید قبل از اعدام، قطع عضو عملی شود، وحشی تر از آن است که با پیوند عضو بخواهد در صدد نجات جان دیگری بر آید. جنایت و بی عدالتی وجه مشخصه قوه قضائیه جمهوری اسلامی و کل حکومت اسلامی است. کمیته بین المللی علیه اعدام خواهان برچیده شدن قوانین قرون وسطایی قصاص و جمع شدن بساط اعدام و لغو احکام اعدام همه محکومین به اعدام است. ما همگان را بر ای به اجرا در آوردن این خواستها برای مقابله با مجازات اعدام و تصمیمات اخیر قوه قضائیه و جمهوری اسلامی فرا می خوانیم.

کمیته بین المللی علیه اعدام
۱۶ تیر ۱۳۹۸ - ۷ ژوئیه ۲۰۱۹

مجازات ضد انسانی اعدام ندارد. جمهوری اسلامی با این ترفند می خواهد قبح و ضد انسانی بودن اعدام را بپوشاند.

کسی که به اعدام و مرگ محکوم شده است در شرایطی نیست که بتواند فارغ از اجبارهای متعدد به گرفتن تصمیم "آزادانه و داوطلبانه" در باره پیوند اعضای بدن خود دست بزند. فرد محکوم به اعدام قبل از هر چیزی و مهمتر از هر چیزی تلاش میکند از مرگ نجات پیدا کند. تزویر و تحمیل مذهبی یکی از عواملی است که ممکن است محکومین به اعدام را تحت عنوان "بخشیدن گناه آنها در دنیای دیگر" مجبور به انجام این کار کند. یکی از دیگر عوامل، اجبارهای اقتصادی است که ممکن است عده ای از محکومین به اعدام را وادار کند تا برای تامین معاش خانواده خود پس از مرگ، در ازای دریافت پولی، دست به این کار بزنند. از نظر ما شرایط محکومین به اعدام بهیچوجه همان شرایطی نیست که یک فرد خارج از زندان و فارغ از حکم اعدام دارد. بسیاری از انسانها سالها پیش از آنکه در معرض خطر مرگ قرار بگیرند تصمیم می گیرند که اعضای بدن خود را قبل از مرگ و یا پس از آن اهدا کنند. اهدای اعضای بدن محکومین به اعدام داوطلبانه نیست، حتی اگر خود به آن رضایت داده باشند. نمیتوان با اعضای بدن کسی که قرار است به زور اعدامش کنند معامله کرد.

پیوند اعضای محکومین به اعدام که در چین متداول است به یک تجارت سود آور بدل شده بود. شرکتهایی وجود داشتند که اعضای پیوندی محکومین به اعدام را با قیمتی گزاف در اینترنت می فروختند. چند سال پیش این اقدام زشت و قبیح از جانب پزشکان انگلیسی افشا شد و حتی برخی بیمارانی که برای پیوند به چین رفته بودند پس از اطلاع از اینکه اعضای پیوندی متعلق به زندانیان محکوم به اعدام است از عمل پیوند امتناع کردند. ابعاد استفاده جنایتکارانه و سودپرستانه از اعضای بدن

آئین نامه ها، قوانین و سیاست های جمهوری اسلامی بدون استثنا ضد انسانی و جنایتکارانه است. اخیرا از سوی رئیس قوه قضائیه جمهوری اسلامی آئین نامه اجرای احکام حدود، سلب حیات، قطع عضو، قصاص نفس، شلاق و تبعید ابلاغ شده است. در ماده ۴۷ این آئین نامه شرایطی برای پیوند اعضای بدن محکومین به اعدام پیش و یا پس از اجرای حکم در صورتیکه محکومین "داوطلبانه" به آن مبادرت کنند و این امر از نظر پزشکی بلامانع باشد، پیش بینی شده است. طرح مسئله پیوند اعضای بدن محکومین به اعدام با اعتراض بخشی از پزشکان و حقوقدانان روبرو شده است. کمیته بین المللی علیه اعدام ضمن مخالفت شدید با پیوند اعضای بدن محکومین به اعدام، دلایل خود را به شرح زیر اعلام می دارد:

نفس نجات جان یک انسان از طریق اهدای داوطلبانه اعضای بدن یک انسان دیگر، رویکردی بسیار انسانی است اما قانونی کردن پیوند اعضای محکومین به اعدام استفاده جنایتکارانه و منفعت جویانه از کسانی است که زندگی و جانشان به گروگان گرفته شده است. محکومین به اعدام قبل از مرگ، حالا باید با خطر مثله شدن در زندانها به خاطر خرید و فروش اعضای بدنشان نیز دست و پنجه نرم کنند. ما معتقدیم نفس مجازات ضدانسانی اعدام باید بدون برو برگرد لغو شود. اما جمهوری اسلامی می خواهد هم اعدام کند و هم اعضای بدن محکومین به اعدام را به فروش بگذارد.

از نظر ما کسی که به اعدام محکوم شده است در معرض یک مرگ طبیعی و یا ناشی از بیماری قرار ندارد. اعدام همانطور که ما بارها اعلام کرده ایم قتل عمد دولتی و گرفتن آگاهانه جان انسانها از سوی دولت به قصد ارعاب و منکوب کردن جامعه است. از نظر ما پیوند اعضای بدن محکومین به اعدام تحت عنوان "نجات جان یک انسان دیگر" هدفی جز مشروع جلوه دادن

تجمع بازنشستگان در مقابل صندوق بازنشستگی

غارت صندوقها را پایان دهید و اموال ما را بازگردانید

خود به کل بساط حاکم اعلام داشتند. افزایش حقوقها به بالای خط فقر ۷ میلیونی، درمان رایگان برای همه، تحصیل رایگان برای تمام کودکان و داشتن یک زندگی انسانی، خواستهای فوری بازنشستگان و همه مردم است. مبارزات و خواستهای بازنشستگان شایسته وسیعترین حمایت هاست.

پیش بسوی اعتصابات سراسری
حزب کمونیست کارگری ایران
۱۲ تیر ۹۸، ۳ ژوئیه ۲۰۱۹

صندوقها را پایان دهید و اموال ما را بازگردانید" صدای اعتراض خود را به بساط دزدسالار حاکم و محرومیت خود از درمان رایگان و سطح نازل مستمری هایشان اعلام داشتند. در این تجمع بنری دیگری با خواست "درمان رایگان حق مسلم ماست" توجه ها را بخود جلب میکرد.

اعتراض بازنشستگی به زندگی زیر خط فقر و تبعیض فاحش طبقاتی در سطح جامعه است. در تجمع ۲۸ خرداد در مقابل مجلس اسلامی بازنشستگان با شعار "جنگ افروزی را رها کن فکری به حال ما کن"، اعتراض

امروز چهارشنبه ۱۲ تیر بدنبال فراخوانی از قبل اعلام شده جمعی از بازنشستگان کشوری در مقابل صندوق بازنشستگی کشور واقع در میدان فاطمی تهران تجمع کردند. گروههای مختلف بازنشستگان از این فراخوان اعلام حمایت کرده بودند. هزینه های کلان برای برگزاری همایش ها، دزدی ها و اختلاس ها و نپرداخت مطالبات بازنشستگان و هزینه کلان درمان از موضوعات مهم این تجمع اعتراضی بود.

در این تجمع اعتراضی بازنشستگان با بنر "غارت

اعتراض معلمان، تحسن سپیده قلیان، اعتراضات دستفروشان در تبریز و چند خبر دیگر

تجمع اعتراضی دستفروشان و حمایت مردم از آنها در تبریز

۱۶ روز تیر دستفروشان تبریز در اعتراض به جمع آوری بساط کارشان دست به تجمع اعتراضی زدند. در این حرکت اعتراضی با حمله وحوش شهرداری به دستفروشان مردم حاضر در محل در همبستگی با آنان به سمت سرکوبگران شهرداری یورش برده و آنها را فراری دادند. این حرکت در ادامه خود به تظاهرات علیه گرانی در مقابل بازار تبدیل شد. بازاریان خیابان جمهوری تبریز نیز در اعتراض به وضعیت دستفروشان، مغازه های خود را بستند. گفتنی است که هفته گذشته نیز دستفروشان به دلیل ممنوعیت فعالیت، دست به تجمع زده بودند.

اعتراض شمار بیشتری از معلمان به حکم شلاق برای حمید رحمتی

۱۷ روز تیر تعدادی از معلمان در کرمانشاه با در دست گرفتن برهائی در اعتراض به صدور احکام وحشیانه شلاق و زندان برای حمید رحمتی عضو کانون صنفی معلمان در شهرضا دست به تجمع زدند. در همین رابطه قبل از آن نیز شماری از معلمان در شهر میوان دست به حرکت اعتراضی مشابهی زده بودند. شعبه ی ۱۰۳ دادگاه کیفری شماره ۲ شهرضا او را به حکم وحشیانه ۷۴ ضربه شلاق، ۳۶ ماه زندان و ۲ میلیون تومان جریمه نقدی محکوم کرده است. این حکم با اعتراضات بسیاری در میان معلمان روبرو شده است. حمید رحمتی بخاطر مبارزاتش در دهه ی ۸۰ به استان مازندران تبعید شد. در دوره تبعید هنگام مراجعه به محل کار در داخل مینی بوس تصادف شدیدی کرد و در پی این حادثه ۱۷ روز در بیهوشی به سر برد و معالجه ی وی سالها طول کشید. او در زمستان گذشته در اعتراض با دستگیری معلمان در اداره آموزش و پرورش شهرضا تحسن کرد. در ادامه این مبارزات و اعتراضات است که حمید رحمتی به چنین حکم جنایتکارانه ای محکوم شده است. احکام صادر شده برای او باید فوراً لغو شود. مجازات شنیع و وحشیانه اسلامی شلاق باید در همه جا ممنوع گردد.

علی نجاتی و کارگران شرکت واحد بر آزادی کارگران زندانی تاکید کردند

۱۴ خرداد علی نجاتی عضو سندیکای کارگران شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه با اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران دیداری داشت. در این دیدار اعضای حاضر، حمایت خود را از

بازداشت شدگان روز جهانی کارگر، بازداشت شدگان نیشکر هفت تپه، کارگران و معلمان زندانی اعلام داشته و خواهان آزادی آنان شدند.

تحسن سپیده قلیان در زندان در اعتراض به ضرب و شتم ندا ناجی

۱۶ تیر ماه سپیده قلیان که به جرم دفاع از کارگران نیشکر هفت تپه و کیفرخواست اسماعیل بخشی علیه شکنجه و زندان از سی ام دیماه در بازداشت بسر میرد، در اعتراض به ضرب و شتم ندا ناجی و عاطفه گلریز در زندان قرچک ورامین که او نیز در آنجا است و در اعتراض به قطعی آب و نبود کولر در این زندان مقابل دفتر مدیریت زندان تحسن کرد. بنا بر خبرهای منتشر شده روز ۱۵ تیر ندا ناجی و عاطفه در راه مراجعه به بهداری، به بهانه نداشتن چادر توسط پرسنل زندان مورد ضرب و شتم قرار گرفتند. در این ضرب و شتم به غیر از ضربه ای که به سر ندا ناجی خورده است، کتف و پای عاطفه رنگریز دچار آسیب دیدگی شده است. قبل از آن نیز ندا ناجی در چهاردهم تیر ماه هنگامی که قصد داشت در درگیری میان زندانیان میانجیگری کند مورد تهاجم زندانیان قرار گرفت. ندا ناجی و عاطفه رنگریز در این رابطه به معاونت زندان اعلام شکایت کرده اند. ندا ناجی و عاطفه گلریز، مرضیه امیری و آیشا اسداللهی از بازداشت شدگان روز جهانی کارگر هستند. حزب کمونیست کارگری حمایت قاطع خود را از اعتراض سپیده قلیان، ندا ناجی و عاطفه گلریز اعلام میدارد. حزب بر آزادی فوری و بدون قید و شرط سپیده قلیان، اسماعیل بخشی و همه بازداشت شدگان نیشکر هفت تپه، دستگیر شدگان روز جهانی کارگر، جعفر عظیم زاده، معلمان دربند و تمامی زندانیان سیاسی تاکید دارد.

دو خبر دیگر از اعتراضات کارگران

۱۷ تیر چند تن از رانندگان شرکت واحد در اعتراض خود از کار در مقابل وزارت کار تحسن کرده و خواستار بازگشتشان به کار شدند.

۱۶ خرداد کارگران کارخانه آب معدنی داماش در شهرستان رودبار به خاطر تعویق پرداخت سه ماه دستمزد خود دست به تجمع اعتراضی زدند.

پیش بسوی اعتصابات سراسری
حزب کمونیست کارگری ایران
۱۷ تیر ۹۸، ۸ ژوئیه ۲۰۱۹

تحسن سپیده قلیان در اعتراض به وضع زندان قرچک زنده باد سپیده قلیان

سپیده قلیان از ظهر روز یکشنبه ۱۶ تیر ماه در اعتراض به ضرب و شتم زندانیان سیاسی در زندان قرچک ورامین و فضای ملتهد زندان و نیز در اعتراض به قطعی آب و نبود کولر در این زندان روبروی دفتر مدیریت زندان دست به تحسن زده است. سپیده قلیان خبرنگاری جوانی است که به جرم دفاع از مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه و صحنه گذاشتن بر کیفرخواست اسماعیل بخشی رهبر محبوب کارگران در زندان است. سپیده قلیان با تحسن خود صدای اعتراض زندانیان در زندان قرچک است. در کنار سپیده قلیان بایستیم و وسیعا از او حمایت و پشتیبانی کنیم.

بنا بر گزارشات منتشر شده، روز ۱۵ تیر ندا ناجی و عاطفه در راه مراجعه به بهداری، به بهانه نداشتن چادر توسط پرسنل زندان مورد ضرب و شتم قرار گرفتند. این در حالی است که حتی رئیس زندان ناچار اعلام کرده بود که پوشیدن چادر در محوطه زندان اجباری نیست. در این ضرب و شتم به غیر از ضربه ای که به سر ندا ناجی خورده است، کتف و پای عاطفه رنگریز دچار آسیب دیدگی شده است. ندا ناجی و عاطفه رنگریز در این رابطه به معاونت زندان اعلام شکایت کرده اند.

ندا ناجی و عاطفه رنگریز از دستگیر شدگان روز جهانی کارگر هستند. علاوه بر آنها هم مرضیه امیری و آیشا اسداللهی دو تن دیگر از بازداشت شدگان اول مه در زندانند. صدای اعتراض سپیده قلیان، ندا ناجی، عاطفه گلریز و تمامی زندانیان سیاسی در سطح جهانی باشیم. سپیده قلیان، ندا ناجی، عاطفه گلریز، آیشا اسداللهی، اسماعیل بخشی، جعفر عظیم زاده، معلمان زندان و تمامی زندانیان سیاسی باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند.

۱۶ تیر ۹۸

کمپین برای آزادی کارگران زندانی

شهلا دانشفر

Shahla.daneshfar2@gmail.com

http://free-them-now.com/

کارگر زندانی، زندانی سیاسی، آزاد باید گردد!

اتهامات اعلام شده علیه دستگیر شدگان هفت تپه و کارزار برای آزادی آنها

گروه‌ها و احزاب معاند" اتهاماتی بی اساسی است که علیه ساناز الهیاری، امیر حسین محمدی فرد و امیر امیر قلی سه عضو نشریه گام چیده شده است.

کارزار برای آزادی دستگیر شدگان نیشکر هفت تپه فعالانه جریان دارد. در آخرین مورد بیش از هزار نفر از فعالین اجتماعی طوماری را برای آزادی آنان امضا کرده اند و کارزاری را اعلام کرده اند. عفوی بین المللی این طومار را باز نشر کرده است. حزب کمونیست کارگری همگان را به پیوستن به این کارزار فرامیخواند. جمهوری اسلامی با فشار بر اسماعیل بخشی و دیگر فعالین هفت تپه خود را هرچه بیشتر مورد نفرت و انزجار و اعتراض کارگران قرار میدهد. اسماعیل بخشی، سپیده قلیان، ساناز الله یاری، امیرحسین محمدی فرد، و امیر امیر قلی باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۸ تیر ۹۸، ۹ ژوئیه ۲۰۱۹

بنا به یک گزارش دیگر اعتصاب غذای ساناز الهیاری و امیر حسین محمدی فرد در دوتن از دستگیر شدگان مرتبط با هفت تپه ادامه دارد. ساناز الهیاری و همسر او امیر حسین محمدی فرد از اعضای نشریه گام به جرم دفاع از مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه در نوزدهم دی ماه دستگیر شدند و از آن زمان در زندان بسر میبرند. امیر حسین محمدی فرد روز ۱۳ تیر در اعتراض به عدم تبدیل قرار بازداشت آنها به وثیقه و عدم دست یابی ساناز به خدمات پزشکی نامه ای اعتراضی نوشت و اعلام اعتصاب غذا کرد و ساناز الهیاری نیز در همین رابطه اعتصاب غذای خود را شروع کرد. بنا بر آخرین گزارشات امروز هفدهم تیرماه ساناز الله یاری در پنجمین روز اعتصاب غذای خود بدلیل تشدید ضعف عمومی بدن و درد عضلات دست به بهداری زندان منتقل گردید. در این روز امیرحسین محمدی فرد به قطع تماس و ملاقات با خانواده و تداوم بلا تکلیفی ساناز اعتراض کرد و ماموران جنایتکار زندان او را به زور از بهداری بیرون کردند. "اجتماع و تبانی علیه امنیت کشور"، "اقدام علیه امنیت ملی و تبلیغ علیه نظام"، "تشکل گروه به قصد بر هم زدن امنیت ملی" و "ارتباط با

اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه در اسفندماه سال گذشته، آنچنان نکانی به کل حکومت اسلامی داد که همچنان در تلاش جبران این ضربه و انتقام از این کارگران است. بنا بر خبر منتشر شده از سوی فرزانه زیلابی وکیل کارگران نیشکر هفت تپه در ۱۷ تیرماه پرونده بازداشت شدگان این کارخانه با اتهامات تازه ای به شعبه بیست و هشتم دادگاه های اسلامی ارسال شده است. بر اساس این خبر اتهامهای انتسابی به اسماعیل بخشی عبارتند از: "اجتماع و تبانی به قصد اقدام علیه امنیت ملی"، "اقدام علیه امنیت ملی از طریق تبلیغ علیه نظام"، "توهین به مقام رهبری"، "نشر اکاذیب به قصد تشویش علیه اذهان عمومی"، و "اخلال در نظم عمومی از طریق حضور در تجمع های غیرقانونی". افزون بر این اتهامات اخیراً پرونده نشر اکاذیب در فضای مجازی و تشویش اذهان عمومی، با شکایت مستقیم وزیر اطلاعات حکومت مطرح شده که برای بررسی به شعبه ۲۸ دادگاه اسلامی تهران ارجاع شده است. اتهامهای علی نجاتی عضو سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه نیز "اجتماع و تبانی به قصد اقدام علیه امنیت ملی و فعالیت تبلیغی علیه نظام است.

چند خبر از اعتراضات کارگری

کارگران این حوزه به دیگر نقاط، مقابل ساختمان ناحیه خط راه آهن استان آذربایجان شرقی، دست به تجمع اعتراضی زدند. کارگران خواستار عدم دخالت نهادهای امنیتی هستند و معتقدند آنها به جای تامین امنیت تنها باعث مخدوش شدن امنیت روانی کارگران شده اند. کارگران همچنین خواستار توضیح مدیر کل راه آهن در مورد عدم مقابله با فشارهای نهادهای امنیتی شدند.

- روز ۱۷ تیر جمعی از کارگران شرکت باختر بیوشیمی در اعتراض به مشکلات شغلی خود، مقابل ساختمان دیوان "عدالت" و وزارت بهداشت در تهران، تجمع کردند.

پیش بسوی اعتصابات سراسری

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۸ تیر ۹۸، ۹ ژوئیه ۲۰۱۹

- روز ۱۷ تیر در جریان تعرض سرکوبگران شهرداری به یک فروشنده لباس در خیابان شیک رشت، دیگر دستفروشان محل با ماموران شهرداری درگیر شدند و سه تن از آنان را گوشمالی دادند و روانه بیمارستان کردند. در جریان این درگیری مردم بسیاری به حمایت از دستفروشان وارد شدند و حرکتی اعتراضی به پا شد. عین این اتفاق در روز قبلیش در شهر تبریز نیز روی داد و مردم با اعتراض دستفروشان همراهی کردند.

- روز سه شنبه ۱۸ تیر جمعی از کارگران عملیات نگهداری خط راه آهن در تبریز در اعتراض به تبعید سایر

- روز ۱۸ تیر کارگران کارخانه رینگ سازی مشهد برای سومین روز متوالی در اعتراض به تعویق پرداخت دستمزدهایشان مقابل دفتر شورای اسلامی کارخانه تجمع کردند.

- روز ۱۸ تیر کارگران ابنیه فنی ناحیه لرستان در اعتراض به تاخیر پرداخت دو ماه حقوق و حق بیمه و نداشتن امنیت شغلی به سبب داشتن قراردادهای کوتاه مدت به تهران سفر کرده و در مقابل ساختمان راه آهن تجمع کردند. در رابطه با این موضوع این کارگران قبلاً نیز تجمعات اعتراضی بسیاری داشته اند.



کارزار آزادی دستگیر شدگان اول مه، علی شدن محاکمات، و اعتراضات بازنشستگان

اسماعیل عبدی به زندان بازگردانده شد - روز ۱۷ تیر اسماعیل عبدی دبیر کانون صنفی معلمان با پایان مرخصی اش به زندان اوین بازگردانده شد. او در هجدهم خرداد ماه به مرخصی اعزام شده بود. اسماعیل عبدی در تیرماه ۱۳۹۴ توسط شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب اسلامی به اتهام "تبلیغ علیه نظام" و "اجتماع و تبانی برای ارتکاب جرم علیه امنیت کشور" به ۶ سال زندان محکوم گردید. اسماعیل عبدی همراه با جعفر عظیم زاده رئیس اتحادیه آزاد کارگران ایران آغازگر کارزار علیه امنیتی کردن مبارزات از درون زندان بودند. این کارزار را باید گسترده به جلو برد. اسماعیل عبدی، جعفر عظیم زاده و تمامی زندانیان سیاسی باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند.

کارزار برای علی شدن محاکمات معلمان

- ۱۱۲ نفر از معلمان طی نامه ای سرگشاده مورخ پانزدهم تیر ماه خطاب به رئیس قوه قضائیه در اعتراض به احکام صادر شده برای معلمان و زندانی کردن معلمان معترض خواستار تشکیل دادگاههای علنی با حضور هیات منصفه برای معلمان شدند. امضا کنندگان این نامه احکام صادره برای معلمان زندانی را ناعادلانه دانسته و مینویسند "در حالیکه معلمان زندانی بخاطر مبارزاتشان از جمله دفاع از حق تحصیل رایگان و عادلانه کودکان در زندان، برخی دزدان و اختلاسگران که امنیت جامعه را بر هم زده اند آزاد و بر مسند قدرتند. اما ضابطان قضایی اتهامات فعالین معلمان معترض را امنیتی اعلام میکنند تا مانع از برگزاری دادگاه علنی و دادرسی عادلانه شوند". این حرکت اعتراضی گامی دیگر در ادامه اعتراضات معلمان به امنیتی کردن مبارزات است. معلمان در مبارزاتشان پیشگام کارزارهای مبارزاتی مهمی چون کارزار علیه کالایی شدن آموزش با خواست آموزش رایگان برای همه کودکان و فراخوان به خانواده ها برای نپرداختن شهریه و کارزار علیه امنیتی کردن مبارزات

با خواست مشخص لغو تمامی احکام امنیتی صادر شده برای فعالین کارگری، معلمان زندانی و تمامی فعالین اجتماعی هستند. موضوع این کارزارها، تاکید بر خواستهای قلبی میلیونها مردم در ایران است. از مبارزات و کارزارهای معلمان باید وسیعاً حمایت و پشتیبانی کرد.

بازنشستگان در اعتراض به گرانی و محرومیت از درمان رایگان

- گروه پیشکسوتان آموزش و پرورش پارک شهر در اعتراض به شرایط طاقت فرسای تورم و گرانی و هزینه بالای دارو و درمان برای ساعت ده صبح روز ۲۵ تیر در مقابل وزارت کار فراخوان به تجمع داده اند. درمان رایگان برای همه یک خواست مهم بازنشستگان است که بارها در تجمعاتشان در بنر ها و در شعارها آنرا اعلام کرده اند. از خواستها و اعتراضات بازنشستگان حمایت کنیم.

کارزار برای آزادی بازداشت دستگیر شدگان اول ماه مه

- روز ۱۷ تیر آخرین جلسه دادگاه مخفیانه اسلامی برای اعلام دفاعیات ندا ناجی از بازداشت شدگان روز جهانی کارگر در زندان اوین برگزار شد. اتهامات وارده به او "اجتماع و تبانی"، "تبلیغ علیه نظام"، "اخلال در نظم عمومی" و "تمرد از مأمورین دولتی" اعلام شده است. قرار بازداشت وی نیز برای یک ماه دیگر تمدید شد که به گفته‌ی بازپرس در صورت عدم مخالفت دادستان پرونده به قرار وثیقه تغییر خواهد کرد. هم اکنون کارزاری گسترده در اعتراض به دستگیری های اول مه و برای آزادی دیگر بازداشت شدگان این روز ندا ناجی، مرضیه امیری، آیشا اسداللهی و عاطفه رنگریز در جریان است. حمایت از این کارزار تاکید بر حق برگزاری روز جهانی کارگر و هر گونه تجمعی به عنوان حق پایه ای کارگران و مردم است. دستگیر شدگان اول مه باید فوراً آزاد شوند.

پیش بسوی اعتصابات سراسری حزب کمونیست کارگری ایران
۱۸ تیر ۹۸، ۹ ژوئیه ۲۰۱۹

طومار معلمان با خواست برگزاری دادگاه علنی

نامه سرگشاده جمعی از فرهنگیان ایران به رییس قوه قضائیه

ریاست قوه قضائیه، آقای رئیس

سلام

احتراماً

شما در توثیقی از مردم درخواست کردید انتقادات و پیشنهادات خود در مورد روند دادرسی را با شما در میان بگذارند.

در این کوتاه سخن قصد نقد قضائیه را نداریم زیرا آنچه در این سالها بر جامعه فرهنگیان رفته، جز ستم و ظلم آشکار چیز دیگری نام ندارد.

ما امضاکنندگان این نامه همچون قاطبه معلمان معتقدیم احکام قضایی علیه فعالان صنفی معلمان تاکنون در یک روند دادرسی ناعادلانه صادر شده و این احکام را ظالمانه و غیر قانونی می دانیم بطوری که آزادی معلمان زندانی یک مطالبه غیرقابل معامله برای جنبش معلمان ایران است.

عزیزان ما در حالی بخاطر فعالیت صنفی و آموزشی قانونی و مسالمت آمیز و دفاع از حق تحصیل رایگان و عادلانه کودکان در زندان هستند که برخی دزدان و اختلاسگران که امنیت جامعه را بر هم زده اند آزاد و بر مسند قدرتند اما ضابطان قضایی اتهام فعالان صنفی معلمان را بصورت غیرقانونی امنیتی اعلام می کنند تا مانع از برگزاری دادگاه علنی و دادرسی عادلانه گردند.

ما خواهان برگزاری دادگاه فعالان صنفی معلمان بصورت علنی و با حضور هیات منصفه هستیم تا حقیقت بر همگان روشن شود. پس شایسته آن است که پرونده معلمان زندانی را مورد اعاده دادرسی قرار داده و دادگاه را علنی برگزار نمایید.

از آنجا که نامه نگاری با شما در روند اداری مشمول مرور زمان می شود لذا این نامه را بطور سرگشاده منتشر می نمایم تا عیار راستی و صداقت شما بر همگان آشکار گردد.

۱۵ تیرماه ۱۳۹۸

امضاکنندگان اولیه: ۱۱۲ امضا

آموزش رایگان حق همه کودکان است

حق برخورداری از آموزش مناسب یکی از ابتدایی ترین حقوق انسانی است. این حق است که مردم در بسیاری نقاط جهان به دولتها تحمیل کرده اند.

در ایران هزینه تحصیل کودکان، باری سنگین بر دوش خانواده هاست. میلیون ها کودک به دلیل فقر خانواده از مدرسه رفتن محرومند. کودکان بسیاری ناچارند از سنین بسیار پایین کار کنند تا به نان شب خانواده کمک کنند.

صدها هزار کودک بعنوان "کودک کار و خیابان" شناخته میشوند و از همه زندگی و شادی کودکان محرومند و مورد انواع تعرضات قرار میگیرند. هزاران کودک به دلیل اینکه پدر و مادرهایشان زاده افغانستان و کشورهای دیگر هستند توسط حکومت اسلامی از حق درس خواندن محروم شده اند.

همه کودکان بدون هیچ استثنائی حق دارند از آموزش رایگان و با استاندارد بالا برخوردار شوند. دست مذهب و نهادهای مذهبی باید از دولت و آموزش و پرورش قطع شود.

حزب کمونیست کارگری ایران